



بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

1 / فروردین / 1389

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد
و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين المكرمين
سبما بقية الله في الأرضين

خداوند متعال را از اعماق جان سپاسگزارم که يك بار ديگر و يك سال ديگر اين توفيق را عنایت فرمود که روز اول سال در کنار شما برادران و خواهران زائر و مجاور این سرزمین پاک و مقدس، در کنار مرقد مطهر حضرت ابي الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله و سلامه عليه) باشم و از فیوضات این روز و از فرصت بزرگ دیدار شما برادران و خواهران عزیز بهره مند شوم. اولاً تبریک عرض میکنم حلول سال نو و عید نوروز را به همه‌ی ملت ایران، به شما برادران و خواهران عزیز، و مطالبی را در این مناسبت عرض میکنم.

مطلب اولی که مورد نظر است که عرض بشود، به مناسبت گذشتن سی و يك سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی، يك تعريف قرآنی از نظام مقدس اسلامی و از حکومت اسلامی است. اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده‌ی این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و سلوک در صراط مستقیمی که انبیاء الهی در مقابل پای مردم قرار دادند. اساس، ایمان است. فرستادن پیامبران الهی برای هدایت انسانها و ایجاد جوامع دینی و الهی در طول تاریخ تا امروز، در درجه‌ی اول برای این مقصود است. لذا میفرماید: «اذا ارسلناك شاهدا و مبشراً و نذیرا. لتؤمنوا بالله و رسوله و تعزروه و توقروه و تسبحوه بكرة و اصیلا». (1) یعنی هدف از فرستادن پیغمبران الهی، ایمان به خدا، دل بستن به ذات الهی و راه الهی، و دل بستن به آن تعالیمی است که انبیاء الهی به انسان تعلیم داده‌اند. این در سوره‌ی مبارکه‌ی «اذا فتحنا» است. در سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب میفرماید: «اذا ارسلناك شاهدا و مبشراً و نذیرا. و داعیا الى الله». (2) رسالت پیغمبر، دعوت به خداست؛ این، اساس کار است. آن چیزی که به عنوان شاخص، میان نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و همه‌ی جوامع بشری وجود دارد، در درجه‌ی اول این نکته است؛ مسئله‌ی ایمان به خدا، ایمان به غیب، ایمان به راهی که خداوند متعال برای سعادت دنیوی و اخروی انسان در مقابل بشر قرار داده است. اگر امروز نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظامهای گوناگون عالم سخنی برای گفتن دارد، مطلبی برای تحدی در قبال نظامهای مادی در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، به خاطر همین است که شاخص عمده، ایمان است. امروز بشر به خاطر بی‌ایمانی، دچار منجلاهای گوناگون زندگی است. بنابراین شاخص عمده، ایمان است. ایمان به خدا و راه خدا و راه انبیاء - که دنبال آن، عمل به این تعالیم است - فقط برای تعالی معنوی نیست؛ اگرچه عمده‌ترین ثمره‌ی آن، تعالی معنوی و تکامل انسانی و اخلاقی است؛ چون دنیا مزرعه‌ی آخرت است. از حرکت در زندگی دنیا است که انسان میتواند مدارج و معارج را طی کند و پیش برود. لذا زندگی مادی هم در گروی ایمان به خداست. پس ایمان به خدای متعال نه فقط سعادت معنوی را تأمین میکند، بلکه سعادت مادی را هم تأمین میکند. ایمان به خدای متعال موجب میشود که بشر در زندگی مادی خود بتواند همه‌ی آن چیزهایی را که انسان به آن نیازمند است، به دست بیاورد. «و لو اثمهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما انزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم»؛ (3) اگر اقامه‌ی دین بشود، اگر تعالیم اسلامی در جامعه عمل بشود، انسانها از لحاظ



رفاه به آن حدی میرسند که هیچ نیازی برای آنها باقی نماند که تأمین نشده باشد. از لحاظ آسایش معنوی و روانی انسان، احساس امنیت و آرامش، باز نقش ایمان برجسته است. به گفته‌ی قرآن: «قد جائکم من الله نور و کتاب مبین. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام»؛ (4) راه‌های سلامت را، راه‌های آرامش را، راه‌های امنیت روانی را قرآن به انسان تعلیم میدهد؛ این راهی است که بشر را به آرامش روانی میرساند؛ یعنی همان چیزی که امروز دنیا در فقدان آن، در حال التهاب است. پیشرفت مادی هست، پیشرفت فناوری و علمی هست، ثروتهای کلان در دست جوامع هست؛ اما آسایش نیست، آرامش نیست. این به خاطر کمبود این عنصر اساسی در زندگی انسان است، که عبارت است از ایمان. این یک مطلب اساسی با استفاده‌ی از قرآن کریم است که در جمهوری اسلامی، من و شما، همه‌ی آحادمان، همه‌ی جوانهایمان، همه‌ی نسلهای رو به جلو که میخواهند فردای سعادت‌مندی را برای کشورشان و برای خودشان و برای فرزندانشان تأمین کنند، باید به این توجه داشته باشند. اساس کار در نظام اسلامی ایمان است، که باید این ایمان را تأمین کرد؛ نه فقط در دل، بلکه در عمل، در برنامه‌ریزی‌ها و در همه‌ی اقدامها.

امسال سی و دومین سالی است که نظام جمهوری اسلامی تشکیل شده است؛ یعنی دومین سال از دهه‌ای است که اعلام شد دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. شعار پیشرفت و عدالت، یک شعار محوری است؛ یک مطلب اساسی است؛ یک نیاز است. در این مرحله، هدف کلان ملت عزیز ما و مسئولان باید پیشرفت و عدالت باشد. «پیشرفت» و «عدالت» دو خواسته‌ای است که انسانها به آن نیازمندند. پیشرفت، یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه که در دنیا برای یک جامعه لازم است، به نتایج مطلوب برسد. عدالت هم یعنی میان انسانها تبعیض وجود نداشته باشد، بی‌عدالتی نباشد، ظلم نباشد. هر دو خواسته، جزو خواسته‌های اساسی و اصلی و دیرین بشریت است، که تا تاریخ بشر وجود داشته است، این دو خواسته، خواسته‌ی اصلی انسانها بوده است: پیشرفت و عدالت. این شعارها را میشود داد؛ مهم این است که کی میشود به این شعارها عمل کرد. ما در نظام جمهوری اسلامی، این دهه‌ی چهارم را هنگام مناسب برای عمل در جهت رسیدن به این دو شعار یافتیم. پیشرفت را میشود به معنای حقیقی کلمه به دست آورد؛ عدالت را هم با رشدی که در جامعه‌ی ما هست، با آگاهی و بصیرتی که مردم ما بحمدالله پیدا کرده‌اند، موانع را شناخته‌اند، اهداف را تشخیص داده‌اند، دوست و دشمن را امروز جوانهای ما تشخیص میدهند، اگر مسئولی در پی عدالت باشد، میتواند در جامعه‌ی ما مقدمات استقرار عدالت کامل را فراهم کند. البته این کار کوتاه‌مدت نیست، کار بلندمدت است. بنابراین این دهه را، دهه‌ی پیشرفت و عدالت در نظر میگیریم. هر اقدامی که میشود، هر برنامه‌ریزی‌ای که میشود، باید این دو عنصر در آن ملحوظ باشد؛ هم در جهت پیشرفت جامعه باشد، هم در جهت عدالت باشد.

کشور آمادگی‌های زیادی دارد. عزیزان من! در این سی سال، ملت و کشور در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت کرده است. زمینه برای یک حرکت عظیم و بنیانی، یک حرکت محسوس که اثر آن را در زندگی مردم بشود ملاحظه کرد، فراهم است. ما هم در زمینه‌ی زیرساختهای اقتصادی پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم. در زمینه‌ی زیرساختهای ارتباطی و مواصلاتی کارهای بزرگی انجام گرفته است. در زمینه‌ی پیشرفت علمی و فناوری، یک روند پرشتابی از چندی قبل تاکنون آغاز شده است. ملاحظه میکنید؛ در زمینه‌های علمی، جوانان ما، دانشگاهیان ما، برجستگان و نخبگان ما به یک مراحل دست پیدا میکنند که برای یک کشوری که از مرحله‌ی دانش و تحقیق و فناوری و ابتکار علمی بسیار دور بوده است و فاصله داشته است، بسیار چیزهای عجیبی است.

جوانان عزیز! امروز در کشور شما چیزهایی که ایران را در ردیف ده کشور اول دنیا قرار میدهد، یا در ردیف هشت کشور اول دنیا قرار میدهد، کم نیست. در بخشهای مختلف، در بخشهای علوم زیستی، علوم نانو، علوم فضائی، علوم گوناگون، شما می‌بینید دانشمندان کشور - که عمدتاً هم همین جوانان پرشور و پرشوق و پرنشاط هستند - توانسته‌اند کشور را به اینجا برسانند که بگویند در این مقوله، ایران جزو هشت کشور دنیاست؛ در این مقوله، ایران جزو ده کشور اول دنیا است؛ یعنی این پیشرفت عظیمی است، این یک جایگاه مهمی است برای کشور.



در زمینه‌ی اعتبار و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی، امروز نظام جمهوری اسلامی و دستگاه اسلامی در کشور ما، آنچنان از ابهت و اهمیتی در چشم کشورهای برخوردار است که دشمنان ما هم اعتراف میکنند که اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی جزو برترین کشورهای همسطح خود و کشورهایی است که میتوانند اثرگذار باشند. میتوان گفت جمهوری اسلامی از لحاظ اعتبار بین‌المللی و سیاسی در منطقه، در درجه‌ی اول قرار دارد. افرادی که بهترین تعبیر درباره‌ی آنها این است که انسان بگوید کوتاه‌بینند و دقت نظر ندارند، میشنوید از آنها که گاهی از اینکه فلان رئیس کشور مستکبر غربی یا فلان وزیر خارجه یا فلان مأمور بین‌المللی درباره‌ی ایران بدگویی‌ای کرده است، این را دلیل بی‌اعتباری نظام جمهوری اسلامی میشمارند؛ این خطاست. جمهوری اسلامی امروز در چشم ملت‌ها، در چشم دولت‌ها، حتی در چشم دشمنان خودش دارای اعتبار و اقتدار است؛ یک دولت اثرگذار است. در مسائل جهانی، حضور نظام جمهوری اسلامی، یک حضور محسوس است؛ قابل مقایسه نیست با یک کشوری که از لحاظ وضع اقتصادی و وضع ثروت عمومی، در حد ایران است. یعنی ایران از همه‌ی کشورهای که از لحاظ اوضاع اقتصادی از او جلوترند یا در سطح او هستند، از لحاظ تأثیر در سیاست‌های منطقه‌ای، بالاتر است.

اینها همه زمینه‌هاست؛ سی سال تجربه‌ی خدمتگزاری و مدیریت هم امروز متراکم، در اختیار مسئولان نظام جمهوری اسلامی است. استمرار حرکت این نظام و استقرار و ثبات نظام جمهوری اسلامی، این اهمیت را داشته است، این اثر بزرگ را گذاشته است که یک تجربه‌ی متراکم ذی‌قیمتی در برخورد با مسائل جهانی و منطقه‌ای و مسائل داخلی در کشور جمع شده است؛ این خودش یک زمینه‌ی بسیار مهمی است، یک زیرساخت قابل توجهی است.

چشم‌انداز روشنی تعیین شده است - یعنی سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی - این سند باارزشی است. دولت‌هایی که پشت سر یکدیگر با انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، میتوانند بر اساس این سند چشم‌انداز، اهداف را مشخص کنند؛ هر کدام بخشی از راه را بروند و دنباله‌ی کار را به دولت بعدی بسپارند. وجود سند چشم‌انداز، یکی از امکانات باارزش نظام جمهوری اسلامی است.

یکی از امکانات بزرگ نظام، این نسل جوان تحصیلکرده‌ی پرانرژی پرانگیزه‌ای است که در کشور ما وجود دارد. اینها تحصیل کرده‌اند، درس خوانده‌اند، با انگیزه‌اند، در راه فهم و درک مسائل گوناگون در بخش‌های مختلف تلاش میکنند، دارای اعتماد به نفس‌اند. ما امروز در جوانهایمان احساس میکنیم یک اعتماد به نفسی وجود دارد که در گذشته وجود نداشته است، و در کمتر ملتی هم این را مشاهده میکنیم. هر کدام از این مسائل گوناگون اقتصادی و فنی و سیاسی و اجتماعی و مسائلی که احتیاج به دانش و تخصص دارد، اینها را وقتی انسان با مجموعه‌های جوان و اهل تحقیق مطرح میکند، می‌بیند اینها با اعتماد به نفس، میگویند میتوانیم. احساس نمیکند که عاجزند، ناتوانند؛ احساس میکنند میتوانند. این اعتماد به نفس خیلی ارزش دارد برای یک ملت که احساس کند میتواند؛ چون سال‌های متمادی به ما تلقین میشد که شما نمیتوانید. به ملت ما گفته میشد شما عرضه ندارید. سیاستمداران کشور، حکام جائری که بر کشور ما مسلط بودند و غالباً با دشمنان این ملت دستشان در یک جیب و در یک کیسه بود، اینها غالباً به کشور ما، به مردم ما، به جوانهای ما تلقین میکردند که نمیتوانید؛ زحمت بیهوده نکشید. یعنی باید ما بنشینیم، دیگران تحقیق کنند، پیشرفت پیدا کنند، ما برویم از آنها دریوزگی کنیم، گدائی کنیم، از آنها بگیریم؛ خودمان نمیتوانیم از درون خود بجوشیم. این به ملت ما و جوانهای ما و نسل ما تلقین میشد و جزو باورهای این ملت بود. در دوران جوانی ما، آنطوری که در جامعه واضح بود، این احساس وجود داشت که ایرانی نمیتواند؛ فرنگی‌ها، اروپائی‌ها، آمریکائی‌ها باید پیش بروند، ما باید دنبال آنها حرکت کنیم و از آنها یاد بگیریم. اینکه ما هم میتوانیم یک راهی را باز کنیم، یک حرکتی را شروع کنیم، یک قلمروی را از قلمروهای مهم زندگی فتح کنیم، این برای ملت ما یک امر باور نکردنی بود. امروز درست بعکس شده است. جوان ایرانی، هیچ مقوله‌ای از مقوله‌های مهم نیست که



برایش مطرح بشود و احساس کند که نمیتواند. عرض کردم؛ در مسائل علمی، در مسائل فنی، در مسائل سیاسی، آنچه که برای مجامع اهل تحقیق و پژوهش ما - که عمدتاً هم جوانهای کشورمان هستند - مطرح میشود، کارها و پیشرفتهای گوناگونی که مطرح میشود، جوان ایرانی احساس میکند که میتواند. این اعتماد به نفس، چیز بسیار مهمی است. این اعتماد به نفس در مجامع علمی پشتوانه‌ای دارد از اعتماد به نفس ملی؛ آن چیزی که من در چند سال قبل از این مطرح کردم که باید ملت به اعتماد به نفس ملی برسد؛ یعنی احساس کند که همه‌ی کارهای بزرگ را میشود با اراده، با خواست، با حرکت انجام داد. در هیچ کاری ما عاجز نیستیم. اینها زمینه‌های پیشرفت است. خوب، ما امسال را عرض کردیم «سال همت مضاعف و کار مضاعف»؛ یعنی همت برتر و کار بیشتر. این تعبیر مضاعف - یعنی چند برابر - شکل آرمانی است. اگر دو برابر هم شد، اگر سه برابر هم شد، اگر ده برابر هم شد، ما قانع نیستیم. اما اینجور هم نیست که اگر یک جایی نتوانستیم دو برابر کار کنیم، یک برابر و نیم توانستیم کار بکنیم، مایوس شویم؛ نه، مهم این است که همت برتری داشته باشیم از آنچه در گذشته داشتیم، و کار بیشتری بکنیم از آنچه در گذشته میکردیم. این، شعار امسال است. این شعارها نه فقط یک امر نمایشی است، و نه هم اینجوری است که ما خیال کنیم در این سال، این شعار همه‌ی مشکلات کشور را حل خواهد کرد؛ نه، این تشریفاتی نیست، نمایشی نیست؛ این خط روشنی را به ما نشان میدهد.

سال گذشته ما عرض کردیم: سال اصلاح الگوی مصرف. من همین جا در روز اول سال تصریح کردم: اصلاح الگوی مصرف چیزی نیست که در یک سال بتواند اتفاق بیفتد. سال گذشته را گفتیم سال شروع حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف است. خوب، حرکتی آغاز شد. من نمیتوانم این را بگویم که الگوی مصرف اصلاح شد؛ نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم. تا وقتی الگوی مصرف را اصلاح نکنیم، تا وقتی ندانیم آب را چه جور باید مصرف کرد، برق را چه جور باید مصرف کرد، نان را چه جور باید مصرف کرد، پول را چه جور باید مصرف کرد، تا اینها را درست مصرف نکنیم، راه‌های مصرف را ندانیم، مشکلات ما به حال خود باقی خواهند ماند. باید ما اصلاح الگوی مصرف را دنبال کنیم. سال 88 مسئولین کارهایی کردند، برنامه‌ریزی‌هایی کردند، تحقیقاتی کردند، اما این کار نباید متوقف بماند. این، جهت را نشان داد؛ معلوم شد که در سال 88 مسئله‌ی اصلاح الگوی مصرف یک مسئله‌ی اساسی است و باید دنبال شود. امسال هم همین است. امسال ما عرض میکنیم همت بیشتر. این همت بیشتر مخصوص امسال نیست. همت برتر مخصوص سال 89 نیست. ما باید این را به عنوان یک انگشت نمایشگر راه در مقابل چشم خودمان قرار بدهیم؛ همتان را نباید کم کنیم. کارهای بزرگی داریم، اهداف بلندی در مقابل ماست؛ باید همت را بلند داشت تا بتوانیم به آن هدفها برسیم. کار هم باید بیشتر بشود. کار باید متراکمتر بشود تا بتوانیم به آن اهداف برسیم. البته سال گذشته، سال مهمی برای کشور ما بود. به نظر من - همان طور که در پیام نوروزی هم به ملت ایران عرض کردم - سال 88، سال ملت ایران بود؛ سال پیروزی ملت ایران بود؛ سال حضور نمایان ملت ایران در عرصه‌های عظیم زندگی در نظام اسلام و در کشورمان بود. یک جا در بیست و دوم خرداد چهل میلیون نفر پای صندوقهای رأی آمدند؛ یعنی هشتاد و پنج درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت یک نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم میدانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمیدانند، آنها یک چنین حضوری را الان ندارند. در حدود زمان انتخابات ما، در کشور انگلیس انتخاباتی برگزار شد با حضور تقریباً سی درصد کسانی که میتوانند رأی بدهند. هشتاد و پنج درصد کجا، سی درصد کجا؟! این حرکت مردمی، این حضور مردمی خیلی اهمیت دارد. تحلیلگران و مفسران سیاسی مسائل دنیا از این چیزها به‌آسانی نمیگذرند. ممکن است در مطبوعاتشان این را منعکس نکنند؛ ممکن است سیاستمدارها در حرفهایشان که تبلیغ میشود، این را بر زبان نیاورند و کتمان کنند؛ اما در دلشان مؤثر است، میفهمند.



این ملت پای حرف خود ایستاده است. این يك حرکت عظیم بود از ملتمان. ملت توانستند در تاریخ کشور این را ثبت کنند که بعد از گذشت سی سال از استقرار نظام اسلامی - که نظامی بر پایه‌ی اسلامیت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک‌ناپذیرند؛ آنهایی که این دو را از هم تفکیک میکنند، جمهوری اسلامی را نشناختند - آنچنان پابند به مبانی این نظام هستند که در يك انتخاباتی با این شور و شوق، با این عظمت شرکت میکنند. خوب، این يك حرکت عظیم مردمی بود. در قبال این حرکت، دشمنان ملت ایران نقشه‌هائی داشتند؛ این نقشه‌ها را شروع کردند به عمل کردن. اگر حضور شما مردم در انتخابات بیست و دوی خرداد سال 88 يك حضور ضعیفی بود، اگر به جای چهل میلیون، مثلاً سی میلیون شرکت کرده بودید، به احتمال زیاد دشمنان شما موفق میشدند. نقشه‌هائی از پیش طراحی شده بود. من کسی را متهم نمیکنم؛ اما هندسه‌ی کار دشمن را میشناسم، می‌بینم، آن را تشخیص میدهم؛ نمیتوانم آن را انکار کنم. هندسه‌ی کار دشمن، يك هندسه‌ی مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین‌المللی از يك نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راه‌هائی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر يك فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند، و آنهایی که آنها میخواهند، بر سر کار نیامدند، آن وقت با يك حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهائی گروهی از مردم را توی صحنه بکشاند، با فشار در صحنه‌ی خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این يك نقشه‌ی شناخته شده است. اگر ملاحظه میکنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیلگران مستقل و صادق و تیزبین، منتسب به عوامل خارجی و بیرونی میشوند، ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد، اطلاعاتی که افراد صاحب اطلاع به دست می‌آورند، اگر این اطلاع هم در دسترس نباشد، انسان شکل کار را که نگاه میکند، میفهمد که این کار، کار دشمنان ملت است؛ کار بیگانگان است. انتخاباتی انجام میگیرد، يك حرکت قانونی اتفاق می‌افتد، يك نتیجه‌ای هم با خود به دنبال می‌آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند. يك عده‌ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش‌سوزی هم راه بیندازند، بانك هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است. پیداست این حرکت، حرکت هدایت شده‌ای از طرف بیگانگان است. يك چنین اتفاقی را میخواستند در کشور پیش بیاورند.

آزمون مهمی بود برای کشور. من به شما عرض بکنم، آزمون مهمی بود؛ هم عبرتهای زیادی داشت، هم درسهای زیادی داشت؛ و در این آزمون، ملت ایران پیروز شد. آنها میخواستند مردم را تقسیم کنند به يك گروه اقلیت، به يك گروه اکثریت؛ يك گروهی که برنده‌ی انتخابات است، يك گروه هم که در انتخابات به نتیجه‌ی مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملت را دوپارچه کنند؛ يك عده اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. اما ملت هوشیاری به خرج داد. شما دیدید در روز انتخابات، مردم به دو گروه سیزده چهارده میلیونی، و بیست و چهار پنج میلیونی تقسیم شدند؛ اما بعد از گذشت مدتی نه چندان بلند، همین دو گروه با هم یکی شدند و در مقابل شورشگران و اغتشاشگران و خرابکاران ایستادند. بیداری ملت را انسان اینجا میشود بفهمد. میخواستند بین مردم اغتشاش ایجاد کنند. بدخواهانی که سی سال است علیه این انقلاب و علیه این مردم هر کاری توانستند، کردند، اینها هم فرصت را مغتنم شمردند و با تبلیغات خودشان وارد میدان شدند. بیش از این، کاری نمیتوانستند بکنند. اگر آمریکائی‌ها و انگلیسی‌ها و صهیونیستها میتوانستند نیرو وارد خیابانهای تهران بکنند، یقین بدانید میکردند. اگر برایشان امکان داشت که با حضور وابستگان و مزدوران خودشان از خارج، عرصه را آنچنان که میخواهند، هدایت کنند، میکردند. منتها میدانستند که این کار به ضررشان تمام میشود. تنها کاری که میتوانستند بکنند، این بود که در صحنه‌ی



تبلیغات، در صحنه‌ی سیاست جهانی، از آشوبگر، از اغتشاشگر حمایت کنند. رؤسای جمهور کشورهای مستکبر در این قضیه وارد میدان شدند؛ اغتشاشگران خیابانی و خرابکارانی را که با آتش زدن می‌خواهند موجودیت خودشان را نشان بدهند، ملت ایران نامیدند؛ شاید بتوانند اوضاع را آنچنان که طبق میل خودشان است، در افکار عمومی دنیا و کشورمان تصویر و ترسیم کنند؛ اما شکست خوردند.

قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دی هم همین جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه‌ی کسانی که در عرصه‌ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پرعبرتی برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه‌ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.

حالا همت برتر و کار بیشتر، همت مضاعف و کار مضاعف بر این اساس باید انجام بگیرد. عرصه‌های گوناگونی وجود دارد. ما نباید بگذاریم وقت بگذرد. هر سالی از سالهائی که دوران انقلاب گذرانده است، و در هر سالی هر ماهی، و در هر ماهی هر روزی، وزن و مقداری دارد، ارزشی دارد؛ نباید این را از دست داد. ممکن است در هشت ماه از سال 88 که اشتغالات فتنه‌انگیزان بعضی از ذهنها را به خود مشغول کرد، برخی از کارها نیمه‌کاره مانده باشد؛ باید جبران بشود. باید حرکت، یک حرکت سریعی باشد. عرصه‌های گوناگونی وجود دارد: عرصه‌ی علم و تحقیق در درجه‌ی اول، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در همه‌ی زمینه‌ها، علوم تجربی، علوم انسانی در همه‌ی بخشهائی که برای کشور مورد نیاز است، بایستی همتشان را در تحقیق و علم افزایش بدهند؛ مراحل دورتری را در مقابل چشمشان و مد نظرشان قرار بدهند؛ کار را باید متراکتر کنند.

من عرض کردم؛ باید جوانان ما همتشان این باشد که با گذشت یکی دو دهه‌ی دیگر، کشورشان را یک مرجع علمی برای دانشمندان جهان قرار بدهند. پس این شد همت مضاعف و کار مضاعف در عرصه‌ی علم و تحقیق.

همت مضاعف و کار مضاعف در استفاده‌ی بهینه از منابع موجود کشور و امکاناتی که وجود دارد. از همه‌ی آن چیزهائی که میتواند برای سازندگی کشور در دورانه‌ی آینده مورد استفاده قرار بگیرد، یا زندگی عمومی مردم را رفاه و رونق ببخشد، باید حداکثر استفاده بشود؛ یعنی همان چیزی که یکی از ارکانش اصلاح الگوی مصرف است. از آب در کشور استفاده‌ی بهینه بشود. ما امروز از آب در کشور استفاده‌ی بهینه نمیکنیم. سال گذشته که بنده مسئله‌ی اصلاح الگوی مصرف را مطرح کردم، پژوهشگران کشورمان تحقیق کردند، به ما اطلاع دادند که اگر آبی که در کشور مصرف میشود، ده درصد آن صرفه‌جوئی شود، این ده درصد به قدر تمام استفاده‌ای است که امروز برای شرب خانگی و برای صنعت مورد استفاده قرار میگیرد. امروز نود درصد آب کشور در بخشهای کشاورزی مصرف میشود - مصرف غلط، مصرف اسراف‌آمیز - ده درصد دیگر برای آب شرب و برای صنعت و برای مصارف گوناگون به کار میرود. یعنی اگر در کار کشاورزی ما ده درصد صرفه‌جوئی کنیم، مقدار مصرف شرب و صنعت و امثال اینها به دو برابر خواهد رسید؛ اینقدر مسئله مهم است. مسئله‌ی مصرف برق و مصرف حامله‌ی انرژی - بنزین، گازوئیل - هم مهم است. این لایحه‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها که مطرح شده است، ناظر به این مسائل است؛ لایحه‌ی بسیار مهمی است. من همین جا در حضور شما مردم عزیزمان توصیه میکنم؛ هم به قوه‌ی مجریه، هم به قوه‌ی مقننه، که در این



مسئله‌ی مهم باید با هم همکاری کنند، باید به هم کمک کنند. از يك طرف قضیه، نگاه به قوه‌ی مجریه است - که بار بر دوش قوه‌ی مجریه است؛ دولت بایستی اقدام کند، عمل کند؛ پس همه‌ی دستگاه‌های دیگر، از جمله دستگاه قانونگذاری باید به دولت کمک کنند - از طرف دیگر هم دولت بایستی آن چیزی که قانونی است و مراحل قانونی را گذرانده است، معتبر بداند و بر طبق آن عمل کند. بنابراین دولت، مجلس - قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه - در این کار دوشادوش هم حرکت کنند، به هم کمک کنند و با هم باشند؛ «ید الله مع الجماعة». وقتی با هم بودند، خدا هم کمک خواهد کرد. بنابراین استفاده‌ی بهینه از امکانات و منابع موجود کشور و بهره‌وری مهم است؛ بهره‌وری بیشتر از آنچه که داریم و آنچه که بسیاری از آنها متأسفانه مورد اسراف و استفاده‌ی غلط قرار می‌گیرد.

همت مضاعف و کار بیشتر در کیفیت بخشیدن به تولیدات داخلی؛ یکی از کارهای اساسی این است. ما امروز تولیدات داخلی زیادی داریم؛ هم در زمینه‌ی صنعت، هم در زمینه‌ی کشاورزی؛ باید به کیفیت اینها اهمیت بدهیم، کیفیت اینها را بالا ببریم. باید جوری باشد که مصرف‌کننده احساس کند آنچه که در کشورش تولید میشود، به دست کارگر ایرانی تولید میشود، از لحاظ کیفیت، یا بهتر از نوع خارجی است یا لاقط همسطح آن است.

همت مضاعف و کار مضاعف در تأمین سلامت. مسئله‌ی سلامت، هم در برنامه‌ی پنجم باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد، هم در برنامه‌ریزی‌های گوناگون اجرائی در دستگاه‌های مختلف. يك بخش از مسئله‌ی تأمین سلامت، مسئله‌ی ورزش همگانی است؛ که بنده بارها توصیه کردم، باز هم توصیه میکنم. ورزش همگانی برای همه لازم است. نشاط، سلامت، آمادگی، حوصله‌ی کار، در سایه‌ی ورزش عمومی و همگانی برای جامعه تأمین میشود.

همت مضاعف و کار مضاعف در سرمایه‌گذاری، در کارآفرینی. بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمیدانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. اینجا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف خود را نشان میدهد. پول را به جای سرمایه‌گذاری تولیدی، صرف تجملات میکنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پرخرج و احیاناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسائل خانه، وسائل زندگی؛ این چیزها يك حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. میشود پول را، درآمد را سرمایه‌گذاری کرد. امروز وسائل این کار فراهم است. با فعال شدن بورسهای که در کشور هست، میتوان سرمایه‌گذاری کرد. همه میتوانند آنچه را که دارند، در سرمایه‌گذاری‌ها دخالت بدهند.

یکی از مسائل مهم که همت مضاعف و کار مضاعف میطلبد، مسئله‌ی تولید فکر است؛ کتابخوانی، افزایش معلومات عمومی در زمینه‌های گوناگون. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما عرض کردیم، پیشنهاد کردیم در دانشگاه‌ها و در حوزه‌ها به راه بیفتد، میتواند يك جریان سیال فکری بسیار باارزشی را در جامعه به راه بیندازد. و از همه مهمتر، همت مضاعف و کار مضاعف در مبارزه‌ی با فقر، در مبارزه‌ی با فساد، در مبارزه‌ی با بی‌عدالتی. اینها چیزهایی است که ما در پیش روی خودمان داریم. ملت، دولت و مسئولان باید تلاش کنند.

البته چالشهایی هم داریم، موانعی هم داریم. ما ملتی نیستیم که در دنیا هیچ کس با ما دشمنی نداشته باشد. آن ملت‌هایی دشمن ندارند که ارزش وجودی ندارند. ملتی که راهی دارد، هدفی دارد، کاری دارد، تلاشی میکند، دشمنانی هم پیدا میکند. البته دشمن داریم تا دشمن. دولت آمریکا هم در دنیا خیلی دشمن دارد؛ اما دشمن دولت آمریکا کیست؟ ملتها. ملتهایند که متنفرند، مک‌دژند، از دولت آمریکا بدشان می‌آید. چرا؟ به خاطر اینکه دولت آمریکا سابقه‌ی تجاوز و تعرض به کشورها از پنجاه سال، شصت سال قبل از این تا امروز در پرونده‌اش ثبت شده است. در طول پنجاه سال گذشته، دولت آمریکا نزدیک به شصت کشور را مورد تجاوز نظامی خودش قرار داده؛ این شوخی است؟ این کم است؟ خوب، پس او هم دشمن دارد، نظام جمهوری اسلامی هم دشمن دارد. دشمن نظام جمهوری اسلامی کیست؟ دولتهای مستکبر، سرمایه‌دارهای صهیونیست، دشمنان بشر، دستگاه‌های جاسوسی غدار و سفاک. بنابراین دشمن هست؛ این دشمنان فعالیت میکنند، تلاش میکنند.

ملت و مسئولان کشور باید هوشیار باشند؛ محاسبه‌ی این دشمنی‌ها را بکنند؛ در مقابله‌ی با این دشمنی‌ها، با



تدبیر و با شجاعت عمل کنند. هم تدبیر لازم است، هم شجاعت لازم است. اگر شجاعت وجود نداشته باشد، در مقابل ابهت و هیبت و چهره‌ی عبوس دولتهای مستکبر، کسی دل خود را ببازد، قطعاً شکست خورده است. دولتهای مستکبر یکی از کارهایشان همین تشر زدن است؛ چهره‌ی عبوس گرفتن است؛ حق را ناحق کردن است. در مقابل اینها اگر شجاعتی وجود نداشته باشد، مسئولان کشور اگر نتوانند در مقابله‌ی با این حرکت‌های نمایشی خصمانه و مستکبرانه روی پای خودشان بایستند، قطعاً کلاهشان پس معرکه است؛ هم خود شکست می‌خورند، هم ملت را به شکست میکشانند. بنابراین شجاعت لازم است.

تدبیر هم لازم است. تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه‌ی دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابله‌ی با آن. دشمن به شکل‌های مختلفی ظاهر میشود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیستها هستند، دولت آمریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ میپوشند، گاهی لباس روباه میپوشند؛ گاهی چهره‌ی خشن و خصمانه‌ی خودشان را نشان میدهند، گاهی چهره‌ی فریبرانه نشان میدهند؛ باید متوجه بود. من سال گذشته، روز اول سال، در همین اجتماع عظیم به شما مردم عزیز گفتم: در مقابل اظهاراتی که رئیس جمهور جدید ایالات متحده‌ی آمریکا میکند و میگوید ما دست دوستی را دراز میکنیم، با نگاه تیزبین مسئله را دنبال خواهیم کرد. ما نگاه میکنیم ببینیم آیا واقعاً دست دوستی است؟ آیا واقعاً نیت، نیت دوستانه است یا نیت خصمانه در قالب الفاظ فریبرگر؟ این برای ما خیلی مهم است. پارسال گفتم اگر در زیر دستکش مخملی، دست چدنی و پنجه‌ی چدنی باشد، ما دستمان را دراز نمیکنیم؛ دوستی را قبول نمیکنیم. اگر با لبخندی که زده میشود، خنجرى در پشت پنهان شده باشد، ما حواسمان جمع است. متأسفانه آنچه که اتفاق افتاد، همان چیزی بود که حدس زده میشد. دولت آمریکا و همین تشکیلات جدید و رئیس جمهور جدید، با همه‌ی ادعای علاقه‌مندی به روابط عادلانه و صحیح، که نامه هم نوشتند و پیغام هم دادند و در بلندگوها هم گفتند و در مجالس خصوصی هم تکرار کردند که ما میخواهیم با جمهوری اسلامی روابطمان را عادی کنیم، متأسفانه در عمل عکس این عمل کردند. در همین قضایای هشت ماه بعد از انتخابات، بدترین موضع را گرفتند. رئیس جمهور آمریکا اغتشاشگران و خرابکاران خیابانی را به عنوان جنبش مدنی معرفی کرد! آتش زدن بانك، آتش زدن اتوبوس، كتك زدن عابر بی‌گناه و بی‌خبر، كتك زدن خواهر و مادر شهید به خاطر اینکه چادر بر سر دارد، آتش زدن موتورسیکلت جوان چون محاسن دارد، اینها جنبش مدنی است؟! شما دم از حقوق انسان میزنید، دم از دموکراسی میزنید، اما حرکت عظیم مردم را در انتخاباتشان، در انتخابشان، در حضورشان در صحنه نمی‌بینید و ندیده میگیرید؛ طرف يك عده اخلاک‌گر و اغتشاشگر را میگیرید؟! این را جنبش مدنی اسم میگذارید؟! خجالت نمیکشید؟! ادعا میکنند که ما طرفدار حقوق بشریم، احساس مسئولیت نسبت به حقوق بشر میکنیم! شما در موقعیتی نیستید که با کسی درباره‌ی حقوق بشر بحث کنید. شما در کداميك از اقدامات خودتان در این چند سال نسبت به گذشته تغییر ایجاد کردید؟ در افغانستان کشتار را کم کردید؟ در عراق دخالتتان را کم کردید؟ از کشتار فاجعه‌آمیز مردم در غزه و کشتن کودکان حمایت نکردید که ادعای طرفداری از حقوق بشر میکنید؟

من امروز بار دیگر اعلام میکنم؛ دولتهائی که با حالت استکباری، با روحیه‌ی استکباری بخواهند با ملت ایران و با مسئولین جمهوری اسلامی مواجه بشوند، بدانند از سوی ملت ایران و از سوی مسئولین جمهوری اسلامی محکوم و مردود هستند. شما نمیتوانید دم از میل به صلح و دوستی بزنید، اما در همان حال توطئه بکنید، فتنه بکنید؛ به خیال خودتان بخواهید به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنید.

ملت بیدار است، مسئولین بیدارند. تدبیر این است که رفتار خصم را انسان زیر نظر بگیرد، ببیند چه میخواهند بکنند. نه در لباس گرگ، نه در لباس روباه، از چشم ملت ایران نبایستی اینها پوشیده و مخفی بمانند، ناشناخته بمانند. ملت ایران بایستی هوشیارانه تصمیم بگیرند، و ما ان شاء الله به توفیق الهی هوشیارانه تصمیم میگیریم. ما



منافع ملت خود را در مقابل تشر و اخم دشمنان، هرگز رها نخواهیم کرد. آنچه را که در راه پیشرفت این ملت لازم است، اقدام میکنیم و مطمئنیم و میدانیم که این ملت پیروز است؛ همچنان که در این سی سال پیروز بوده است. دشمنان ما در این سی سال آنچه با ملت ایران انجام داده‌اند، شکست خوردند؛ نتوانستند به نظام جمهوری اسلامی ضربه و لطمه بزنند؛ نتوانستند مردم را از نظام جدا کنند. بعد از این هم همین خواهد بود. بعد از این هم به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، سرنوشت ملت ایران پیروزی و پیشرفت است؛ سرنوشت دشمنان ملت ایران، شکست و عقب‌ماندگی است.

پروردگارا! قدمهای ما را در صراط مستقیم ایمان به خدا و به قرآن و به آئین مقدس اسلام، ثابت قدم بدار. پروردگارا! دلهای ما را از توجه و تضرع در مقابل خودت هرگز غافل مفرما. پروردگارا! ما را از دعای حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) محروم مکن. پروردگارا! این ملت را، این جوانان را، این دلهای پرشور و پیرانگیزه را همواره مورد لطف و تفضل خود قرار بده. پروردگارا! روزی‌روز پیوندهای برادری میان این ملت و ملت‌های مسلمان را مستحکم‌تر بفرما؛ کید دشمنان را باطل بفرما.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) فتح: 8 و 9

(2) احزاب: 45 و 46

(3) مائده: 66

(4) مائده: 15 و 16